نیمه پنهان کشمیر – ۵۴

پیگیری تصادفی مسائل مردم عادی

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

در آن طـرف جاده درخت چنار بزرگی را دیدم که شاخه و برگ‌هایش را به‌دست باد ملایمی سپرده بود، زیر سایه‌سار آن بود که شفیع برای آخرین بار با دوستانش صحبت کرده بود.

اتوبوسـی را دیدم که دارد نزدیک می‌شود دستم را تکان دادم و سوارش شدم. اتوبوس از جاده هاشور خورده حرکت کرد و از دهکده خارج شـد. من سـرم را پشت صندلی تکیه دادم و چشم‌هایم را بستم. یک ساعت بعد به ایستگاه اتوبوس آنانتناگ رسیدیم جایی که مجید شوهر شمیمه شیرینی می‌فروخت. باد غبار آلودی در هوا پیچیده بود اتوبوس‌ها و ماشین‌های سواری مدام بوق می‌زدند.

دسـتفروش‌ها قیمت‌هـای کالاهایشـان را فریاد می‌کردند. روستاییان که کالاهایشان را در پلاستیک‌های رنگارنگ بسته‌بندی کرده بودند آنها را به مسافران اتوبوس عرضه می‌کردند.

مجتمع ساختمانی بزرگی بود و در منطقه لال چوک قرار داشت. این‌جا قلب شهر آنانتناگ بود آشفته بازاری از خانه‌ها و مغازه‌ها، فاضلاب‌هـای روباز، دوره‌گردهای پرسرصدا، اتوبوس‌هایی که به طور ممتد بوق و پلیس‌هایی که مدام صوت می‌زدند.

آنانتناگ به گونه‌ای شبیه شهرهای کوچک شمال هند بود.

از ایست‌های بازرسـی و دستگاه‌های فلزیاب عبور کردم مجتمع مورد نظر مثل ساختمان‌های آسایشگاه بود با پنجره‌هایی که به رنگ آبی ملال‌آوری شبیه دیگر ساختمان‌های دولتی رنگ‌آمیزی شده بود.

آنجـا مرکز قدرت محلی بود، واحد مدیریتی که از دوران استعمار به ارث رسیده بود.

گروه‌های عجـول از متقاضیان، وکلای نیمه وقت، سیاستمداران روسـتایی و افراد مسن برای شرفیابی و ابراز لطف و مرحمت از این اتاق به آن اتاق از این آقا به آن آقا در همدیگر وول می‌خوردند. در داخل ساختمان پادوها اسـامی متقاضیانی که قرار بود به حضور افسران برسند را فریاد می‌کردند. من از راهرو تاریکی عبور کردم تـا مردی را ملاقات کنم که ممکن بود در مورد پرونده غرامت مرگ شـفیع اطلاعی داشته باشد. من او را برای سالیان می‌شناختم. پرونده‌های زیادی روی میز او تلنبار شده بود. مقادیر زیادی پرونده خاک خورده در پشت سر او دیده می‌شد. چهار نفر دیگر مثل او پشت میز نشسته بودند که مشغول بررسـی پرونده‌ها و یا تایپ نامه‌ها با دستگاه‌های تایپ «رمینگتن» بودند.

او زمانـی که بچه بودم مرا دیده بود و وقتی متوجه شد که من مثل پدرم کارمند دولت نشده‌ام کمی حیرت کرد و در عین حال ناامید شد.

اما من اکنون به عنوان نویسنده‌ای که علاقه‌ای به پیگیری مسائل مردمان عادی و غیر مهم به‌صورت تصادفی دارم محسوب می‌شدم.

برای دریافت غرامت سـیر اقدامات خانوده بدین صورت اسـت که آنها بایـد اول «گزارش اولیه پلیس» که در ایسـتگاه پلیس ثبت شده است را بگیرند، بعد از آن تأییدیه‌ای (مجوزی) را از پلیس دریافت کنند مبنی بر اینکه کسـی که کشته شده جزو مبارزین کشمیری نبوده است.

بـرای دریافت این مجوزها و رد شـدن از مراحل هفت‌خوان آنها باید بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ روپیه(رشوه) بـه پلیس پرداخت کننـد و الا ایـن گزارش‌ها صادر نمی‌شوند.

پرونده‌ها در مرحله بعد به قسمت غرامت در دفتر معاون کمیسیونر ارجاع داده می‌شوند.

دوستم مکثی کرد پکی به سیگارش زد و گفت: ما باید پرونده را به جلو ببریم، پرونده که به خودی خود از یک میز به میز دیگر حرکت نمی‌کند.

تایپیست هم که مجانی کار نمی‌کند افسران ارشد هم که برای قانع شدن باید سهمشان را بگیرند. همه اینها زمان بر و پر خرج است.

از پـول غرامت حدود ۱۰۰ هـزار روپیه متقاضی باید بین ۲۵ هزار تـا ۳۰ هزار روپیه خرج کند و گرنه او بایـد سـال‌ها در دفاتر و ادارات مربوطه سـرگردان شود.

زمانی که متقاضی حق حسـاب و کمیسیون‌های مربوطه را پرداخت کرد ما نامش را برای دریافت غرامت و همچنین در لیست کسانی که باید سریعا برایشان کار پیدا کرد قرار داده و آن را تضمین می‌کنیم.

فصل سیزدهم

شـمیمه و مجید که پسر بزرگشان را از دست داده بودند برای پیدا کردن کار برای پسر کوچکشان بلال باید به‌طور طاقت فرسایی مراحل سخت وطولانی دیوانسالاری ادلـری را طی می‌کردند. از طرف دیگر آنها پول و مبالغ کافی برای درمان پسر جوان‌ترشان که به اختلال روانی دچار شـده بود نداشتند.آنچه آنها داشتند همبستگی، ایمان و اعتقاد راسخشان بود.

حسین پسرعموی دوسـتم دکتر شهید که بعد از شکنجه‌های مکرر به‌دلیل آسیب‌های جسمانی از ازدواج امتناع کرده بود مرتب دعا می‌کرد که قدرت این را داشته باشـد تا با این مخمصه‌ای که برایش به‌وجود آمده بود مقابله کند. من دیده بودم که والدینم چگونه زنده ماندن از انفجار مین را مرهون عنایت خدا می‌دانسـتند و بعد از این حادثه عبادات و نیایش‌هایشان افزایش یافته بود.

دکتر شـهید به من گفته بود: حتی پزشـکان در بیمارستان‌های روانی داشتن ایمان را برای بهبودی شرایط جسمی و روانی بیماران توصیه می‌کنند.

به نظر می‌رسید خدا و اولیایش کارشان در کشمیر گرفته است. ایمان اساساً یک آورده و داشته حمایتی و محافظتی است.

این‌گونه بود که ماجرا شروع شد. در دوران نونهالی و نوجوانی من هیچ‌گونه خود آگاهی در مورد اسلام نداشتم، اسلام هم مانند چیزهای دیگر از جمله زندگی ما، روستای ما، همسایه‌های ما، خانواده ما، و مثل قفسه‌های کتاب‌های پدر در زندگی بروز و حضور داشت.

مسجد روستای ما جایی بود که من با دوستانم در روزهای جمعه برای ادای نماز جماعت به آنجا می‌رفتیم. همـراه با آداب نمـاز حس تعلق اجتماعـی همراه با شوخی‌های دوستانه نوعی آرامش مذهبی هم در کنارش شکل می‌گرفت.

ما همه همسایه‌هایی بودیم که به همان نانوایی، همان پزشک، همان بقالی می‌رفتیم.

مسـجد ما بنایی ساده و دوطبقه بود که چند صد متر با خانه ما فاصله داشـت. در کنار خانه ما جوی آبی به نام «یاراهبال» می‌گذشـت که بچه‌ها در آن آبتنی می‌کردند، زن‌ها در آن لباس و ظروف آشپزخانه شسته و با هم گپ می‌زدند.

وقتی مؤذن اذان می‌گفت زن‌ها روسری‌های خود را به سر می‌کردند تا اینکه نماز به پایان می‌رسید و دوباره به صحبت‌هایشان ادامه می‌دادند. حصیرهای دستبافت محلی که طی سال‌ها استفاده نرم گشته در کف مسجد کنار هم فرش شده بودند.

نور چند لامپ زرد رنگ روی دیوارها افتاده بود. یک تورفتگی قوسی در محراب به طرف غرب یعنی مکه دیده می‌شد که مخصوص امام جماعت بود، در جنب محراب اتاق کوچکی بود به نام حمام که کف آن با سنگ آهک فرش شده و در زیر آن زمین با هیزم گرم می‌شد.

از ایست‌های بازرسی و دسـتگاه‌های فلزیاب عبور کردم. مجتمع مورد نظر مثل ساختمان‌های آسایشـگاه بود... گروه‌های عجول از متقاضیان، وکلای نیمه وقت، سیاسـتمداران روسـتایی و افراد مسن برای شـرفیابی و ابراز لطـف و مرحمت از این اتاق به آن اتاق از ایـن آقا به آن آقا در همدیگر وول می‌خوردند. در داخل سـاختمان پادوها اسـامی متقاضیانی که قرار بود به حضور افسـران برسـند را فریاد می‌کردند. من از راهرو تاریکی عبور کردم تا مـردی را ملاقات کنم که ممکن بود در مورد پرونده غرامت مرگ شـفیع اطلاعی داشته باشد... من اکنون به عنوان نویسنده‌ای که علاقه‌ای به پیگیری مسـائل مردمان عادی و غیر مهم به‌صورت تصادفی دارم محسوب می‌شدم.

گروه دیگری از نیروهای شبه نظامی که جلیقه‌های ضد گلوله پوشـیده بودند در پیاده‌روها با سـلاح‌های خودکارشـان مشغول گشـت‌زنی بودند. یک مغازه‌دار میوه‌فروش مجید را می‌شناخت.

پرسیدم مغازه‌اش کجاست؟

او با خنده معنی داری، به فضای کوچک یک پیاده‌رو بین مغازه خودش و مغازه بعدی اشاره کرد.

دیدم یک جعبه حصیری پر از شیرینی‌های محلی موسوم به «سمینه» که من آن را از بچگی خیلی دوست داشتم برای فروش روی آجرها گذاشته بود.

یک مرد با موهای خاکستری و گونه‌های فرو رفته که فران (لباس محلی کشمیری‌ها) بژی پوشیده بود.

او به‌گونه‌ای پشـت شیرینی‌ها نشسته بود که دیده نمی‌شد.

به طرف او رفتم و گفتم: آیا شما آقا مجید هستید؟

از جایـش بلند شـد و گفت: چند گرم شـیرینی می‌خواهید اقا؟

نمی‌خواستم جهان او را دوباره بر هم زده و متلاطم کنم. به طرف دفتر معاون کمیسـیونر رفتم تا مردی را ملاقات کنم که زمانی مسئول پرونده‌های غرامت‌های ناشی از مرگ بود.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۲۴

حمایت دلاری «صندوق اختیاری ویژه» از هنرمندان

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

پی یر بولز (آهنگساز و رهبر ارکستر فرانسوی) که شـاید احساس می‌کرد دشواری سبک وی با چالش روبه رو شده، نامه‌ای خشمگینانه و آکنده از توهین به ناباکف نوشت.

بولز می‌گفت که ناباکف در حال تشویق نوعی موسـیقی «فولکلور متوسـط» است که توسط بوروکرات‌های حقیری پرورش یافته که وسواس زیادی نسبت به عدد دوازده دارند- «یک شورای دوازده‌نفره، یـک کمیته دوازده‌نفره، یک هیئت منصفه دوازده‌نفره» - اما چیزی از فرآیند خلاقیت نمی‌فهمند. بولز در ادامه کنگره را متهم کرد که با ارائه جوایز بزرگ (که برندگان آنها لو هریسون، گیسلهر کلب، ژان- لوئی مارتینه، ماریو پراگالو و ولادیمیر فوگل بودند)، آهنگسازان جوان را بازیچه قرار داده است.

او گفت که صادقانه‌تر این اسـت که به آنها کمک‌های نقدی بدهند، نـه اینکه مانند «یک بانکدار سینسیناتی حرکات نمایشی عوام فریبانه» انجام دهند. او سخنان خود را با این پیشنهاد پایان داد که کنگره بهتر اسـت همایش بعدی خود را درباره «نقش کاندوم در قرن بیستم» برگزار کند، موضوعی که به نظـر او «جذاب‌تر» از ابتکارات قبلی آنها بود. ناباکف که شـوکه شـده بود، در پاسخ نوشت که امیدوار است نامه بولز در آینده در کشوی پایینی کسی پیدا نشود، زیرا این نامه «هم هوش و هم توانایی قضاوت منطقی او را زیر سؤال می‌برد.» ناباکف که نه وقت و نه انرژی برای پیگیری این موضوع داشت، از بولز خواست دیگر هرگز به او نامه ننویسد.

بنیاد فارفیلد علاوه بر دادن کمک هزینه به آهنگسازان و نوازندگانی که در فستیوال رم شرکت کرده بودند، مجموعه‌ای از کمک‌های مالی را که بیشتر به صلاحدید جوسلسون انجام می‌شد، به گروه‌ها و هنرمندان دیگر نیز داد. در ژانویه، این بنیاد ۲,۰۰۰ دلار به ارکستر آکادمی موتسارتئوم سالزبورگ برای برگزاری یک دوره بین‌المللی ارکسـتر جوانان اهدا کرد. جوسلسـون از «صندوق اختیاری ویژه» خود در بنیاد فارفیلد به آهنگساز تبعیدی لهستانی آندژی پانوفنیک، که با فرار پرخطر خود از ورشو از طریق زوریخ به لندن آمده بود، یک «کمک هزینه سالانه ۲,۰۰۰ دلاری بدون تعهد اعطا کرد که در ۱۲ قسط ماهانه از سپتامبر ۱۹۵۴ به او پرداخت می‌شد».

به گفته ناباکف، پانوفنیک به پاس این حمایتی که از وی شده بود، اعلام کرد که «کاملاً آماده همکاری و مشارکت با ما است زیرا او کاملاً به ایده‌آل‌های کنگره برای آزادی فرهنگی اعتقاد دارد.»

همچنیـن در سـپتامبر ۱۹۵۴، جوسلسـون پرداخـت یک کمک هزینه ماهانـه ۳۰۰ دلاری به موسیقیدان تبعیدی رومانیایی ژرژ انسکو (Georges Enesco) را آغـاز کرد که اسـتاد و مربی یهودی منوهین (Yehudi Menuhin) بود. یک سال پس از مرگ انسکو در سال ۱۹۵۵، بنیاد فارفیلد هزینه کنسرت یادبود او را پرداخت کرد که توسط ارکستر سـمفونیک بوستن اجرا شـد. ارکستر سمفونیک بوستن که بار دیگر در تور اروپا به سر می‌برد، عمدتاً با هزینه سازمان سیا (از طریق کمیته اروپای آزاد) سفر می‌کرد. سی.دی. جکسون با اشاره به تور موفقیت‌آمیز این ارکسـتر در سال ۱۹۵۶، اعلام کرد: ««فرهنگ» دیگر یک کلمه سوسولی نیست. ملتی مانند ما می‌تواند فرهنگی مردانه داشته باشد. ملتی مانند ما می‌تواند به طور خارق‌العاده‌ای از نظر اقتصادی موفق باشد. اما نکته عجیب داستان این است که آنچه موجب پیوند ناگسستنی میان همه عناصر می‌شـود، ضریب آرمان‌گرایی ملت اسـت... فرهنگ، بیان ملموس، قابل مشـاهده و قابل شـنیدن آرمان‌گرایی ملی است. از بین همه نمودهای فرهنگ، موسیقی جهانی‌ترین آنهاست. از بین همه نمودهای فرهنگ موسیقایی امروزی، ارکستر سمفونیک بوستن بهترین آنهاست.»

سـال ۱۹۵۶، شـاهد آغـاز بـه کار اپرای متروپولیتن در اروپا نیز بود. بار دیگر، سـی.دی. جکسون حاضر بود تا حمایت کامل خود را از این رویداد ارائه دهد با این استدلال که: «ایالات متحده فعالیت‌های بسیاری را طراحی کرده که هدف آن‌ها نمایش تصویر درستی از آمریکا در خارج از کشور اسـت. ما در انجام این کار، گاهی موفق بوده‌ایم و گاهی نه. بی‌شـک، کار فرهنگی کاری مبهم و نادقیق اسـت. اما حوزه‌ای در کار فرهنگی وجود دارد که تقریباً به اندازه همه تلاش‌ها در سـایر حوزه‌های فرهنگی موفقیت‌آمیز بوده و آن نمایش فرهنگی آمریکا است- البته به شرطی که انتخاب آنچه به عنوان فرهنگ آمریکایی شناخته می‌شود هوشمندانه باشد و هیچ‌چیزی به عنوان فرهنگ آمریکایی صادر نشود مگر این که بالاترین کیفیت را داشته باشد. من معتقدم که اپرای متروپولیتن مصداق بارز صدور فرهنگ باکیفیت بوده و همه را شگفت‌زده خواهد کرد.»

بنیاد فارفیلد علاوه بر دادن کمک هزینه به آهنگسازان و نوازندگانی که در فستیوال رم شرکت کرده بودند، مجموعه‌ای از کمک‌های مالی را که بیشتر به صلاحدید جوسلسون انجام می‌شد، به گروه‌ها و هنرمندان دیگر نیز داد... جوسلسون از «صندوق اختیاری ویژه» خود در بنیاد فارفیلد به آهنگساز تبعیدی لهستانی آندژی پانوفنیک، که با فرار پرخطر خود از ورشو از طریق زوریخ به لندن آمده بود، یک «کمک هزینه سالانه ۲,۰۰۰ دلاری بدون تعهد اعطا کرد که در ۱۲ قسط ماهانه از سپتامبر ۱۹۵۴به او پرداخت می‌شد».

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۰۲۰۸ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق – غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ - کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ ۳۲۲۲۶۰۱۳-۰۲۶ - دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

استخدام

استخدام
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
● امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
● امور اداری: ۲ نفر آشنا به تایپ فارسی
● واحد فنی: ۲ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
● واحد خدمات: ۲ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
فروش یکجا شهرک ویلایی گیلان زیبا کنار- ۱۱ ویلا با تمام امکانات ۰۹۱۲۸۱۰۹۷۴۷
املاک افق خرید- فروش- رهن- اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱
مرکز شهر بندرانزلی ۲ باب مغازه هریک ۲۵ متر چسبیده به هم(جمعا ۵۰ متر) دسترسی عالی+ سند مالکیت سقف شیروانی با قابلیت ساخت سه طبقه فروشی ۰۹۱۱۱۸۳۶۵۵۹

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ - ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

پیمانکاری ساختمان
پیمانکاری رحمت‌الله ترکی حفـاری چـاه آب و فاضـلاب، تعمیـر چـاه آب، کول‌گذاری، طوقه‌چینـی، لایروبی تخریب ساختمان با قیمت مناسب ۰۹۱۲۰۱۹۰۲۷۸ و ۰۹۱۲۹۱۵۹۸۶۷

مجله زن روز روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

بنایی و خدمات
تهویه مطبوع احمدی ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی می‌پذیرد

آگهی‌های مفقودی
دانشنامه فارغ التحصیلی اینجانب میترا مظهر سرمدی، فرزند حسین، به شماره شناسنامه ۳۰۶۳، صادره از لاهیجان، رشته کامپیوتر مقطع کاردانی پیوسته، صـادره از واحد دانشـگاهی لاهیجان بـا شـماره ۱۲۸۸۲۰۲۰۱۸۳۳ مفقود گردیـده و فاقـد اعتبـار می باشـد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان به نشانی گیلان - لاهیجان - خیابان شقایق - کدپستی ۳۹۵۱۵-۴۴۱۶۹ و صندوق پستی ۱۶۱۶ ارسال نمایید.(لاهیجان)

برگ سبز سند کمپانی و کارت موتورسیکلت آپاچی RTR ۲۰۰ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ۹۷۷۲۵- ایران ۱۲۶ به شماره موتور oT1FJ2200575 و شماره شاسی N1#RLAJPFJ1A15588 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسـنامه) سـواری فونیکس تیپ FX به شماره انتظامی ۹۹۳ ق ۳۳- ایـران ۴۰ بـه رنـگ سـفید مدل ۱۴۰۳ و شـماره موتور MVMF4J16AHP024975 و شـماره شـاسی NATHDWTvR100000۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سـند کمپانی، برگ سـبز و کارت مشخصات کامیونت نیسان به شماره انتظامی ۳۶۳۵۲ ایران ۷۳ مدل ۸۵ موتور E03۶۴۳ شاسی ۳۰۶۳۹۹ به نام صدیقه جنگلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سـبز (سند مالکیت) سواری پژو ۴۰۵ تیـپ ۴۰۵TU5SLX مـدل ۱۳۹۷ بـه شـماره پـلاک ۶۸۴هـ۹۲ ایران ۴۳ وشماره موتور ۱۸۱B۰۰۷۲۳۶۴ وشماره شاسی NAAM31FE1JK119564 به نام بهزاد پرویش چهرمهینی به کد ملی ۱۱۶۰۱۱۱۰۶۵ مفقود شده اعتبار ندارد. (زرین شهر)

سـند کمپانی و شناسـنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پژو آریان ۲۰۶ مدل ۱۳۸۹ بـه رنگ سـفید روغنی به شـماره انتظامی ۵۳۳ ب ۷۲ ایـران ۱۸ و شـماره موتور ۱۳۱۸۸۰۰۳۷۹۰ و شـماره شاس NAAP31EG7vAJ232856 بـه نـام علی محرمی به شماره ملی ۳۸۷۴۴۵۷۰۹۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

سند کمپانی و شناسـنامه مالکیت (برگ سـبز) کارت و کارت سـوخت موتورسیکلت ویوراديسون ۱۵۰ سی‌سی مدل ۱۳۹۵ به رنگ مشـکی به شـماره انتظامـی ۲۱۶۶۳ ایـران ۵۱۱ و شـماره موتور ۲۰۳۱۵۵ و شماره تنه ۹۵۰۵۲۵۰ بـه نـام هومـن حبیبی بـه شـماره ملی ۳۸۶۰۲۱۵۰۴۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

سند کمپانی و سند سبز موتورسیکلت هیلداتنه: N1WHHXGEMMAH۰۰۳۷۷ موتور: KF81E184364۲۱ پلاک: ۲۶۷۴۹ ایران ۱۴۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی و سند سبز موتورسیکلت تیزکار ۱۲۵CC بـه شـماره انتظامـی ۲۴۵۲۳ ایـران ۶۹۴ مدل ۸۴ موتور ۱۳۰۱۲۱۰۲ تنـه ۸۴۹۸۵۷۹ به نام‌هادی وزیری نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است(شیراز)

کیهان ورزشی روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

اسامی ۷ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه آمنه

نام کودک: نیلگون
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷
مکان پیدا شدن: بیمارستان امام خمینی شهریار
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهریار

نام کودک: میلان
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳
مکان پیدا شدن: بیمارستان آرش
ارجاع دهنده: بیمارستان آرش

نام کودک: خشایار
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷
مکان پیدا شدن: بیمارستان امام خمینی شهریار
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهریار

نام کودک: دیدار
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰
مکان پیدا شدن: بیمارستان شهدای تجریش
ارجاع دهنده: بیمارستان شهدای تجریش

نام کودک: دانا
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲
مکان پیدا شدن: بیمارستان آرش
ارجاع دهنده: بیمارستان آرش

نام کودک: سام
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴
مکان پیدا شدن: بیمارستان شهدای سلامت ملارد
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبر آبادی

نام کودک: ماهان
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
مکان پیدا شدن: بیمارستان امام سجاد (ع) شهریار
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهریار

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت دوم
شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان نوشهر
احتراما بـه اطـلاع میرسـاند، با توجه بـه حد نصاب نرسـیدن مجمـع عمومی نوبـت اول، جلسـه مجمع عمومی عادی سـالیانه نوبت دوم شـرکت تعاونی مصرف فرهنگیان نوشـهر، راس ساعت ۱۶ عصر روز چهارشـنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ در محل کانون شـهید باهنر شهرسـتان نوشهر واقع در خیابان آزادی، جنب اسـتادیوم شهدای نوشهر برگزار می‌گردد. از کلیه سـهامداران محترم شـرکت یا وکلای قانونی آنان دعوت به‌عمل می‌آید جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در جلسه فوق حضور به‌هم رسانند. ارائه کارت ملی جهت شرکت در جلسه الزامی می‌باشد.
دستور جلسه
۱- استماع گزارش هیئت‌مدیره
۲- استماع گزارش بازرس
۳- بررسـی و تصویب صورتهای مالی سـال ۱۴۰۳ (عملکرد - سود و زیان - ترازنامه مالی شرکت)
۴- اتخاذ تصمیم درخصوص تقسیم سود سال ۱۴۰۳
۵- بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۴
۶- تصویب دریافت وام در صورت لزوم
۷- تصویب انتخاب حسابرس قانونی در صورت لزوم
۸- تعیین خط مشی شرکت برای سال جاری
۹- انتخاب یک نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی البدل به مدت یکسال
هیئت‌مدیره شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان نوشهر

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشـارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید